

پیشینه تاریخی قلعه‌های دفاعی اصفهان

سیروس شفق^{*}

قسمت دوم

قلعه‌ها و پناهگاههای فراز کوهها شکل منظمی نداشتند و در عین حال خود پناهگاهی ناگشودنی به‌شمار می‌آمده است. اغلب این قلعه‌ها دارای برجهای کوچک و بزرگی است که برای دیده‌بانی و مراقبت در داخل قلعه ساخته شده بود. این برجها در حال حاضر خراب شده و تنها قسمتی از دیوارهای پایینی باقی مانده است، مصالحی که در بنای برجهای شاهدز به کار رفته همه سنگ و آهک می‌باشد و از این‌رو پایداری خود را تا حدی حفظ نموده است. آثار بزرگترین و مرتفع‌ترین برج بر فراز کوه صفا توجه هر محققی را به خود جلب می‌کند که سالم‌تر از سایر بناها باقی مانده است. در پایین این برج هنوز آثار قلعه باشکوه و بزرگی به چشم می‌آید که در روزگار سلجوقیان پناهگاه اسماعیلیان بوده است.

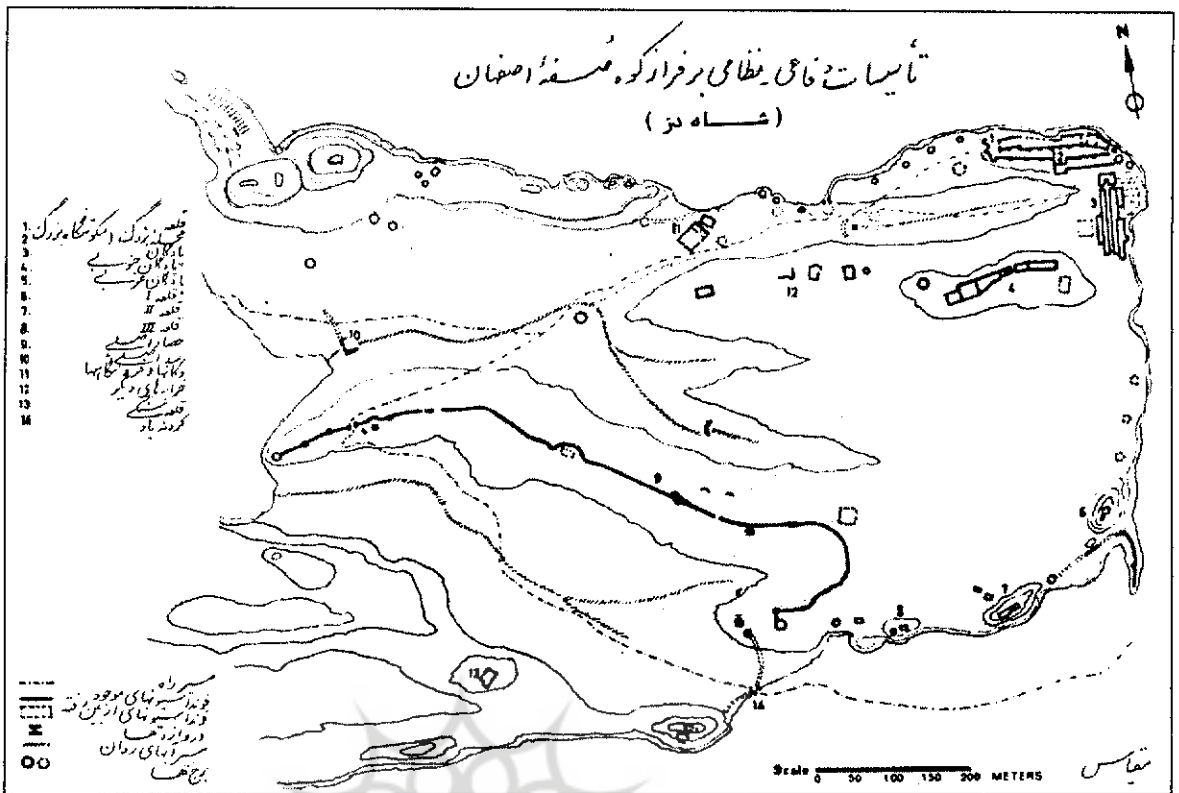
سدهای آب و سایر تأسیسات قلعه

در میانه دره‌های کوچک و بزرگی که در مسیر آبهای روان قرار دارند و در واقع مسیر مسیلهای می‌باشند با سنگ و آهک و گاهی ساروج بندهایی ساخته شده، این دیواره‌ها علاوه بر اینکه از این گذرگاه مسیل را سد می‌کرده است راه عبور از پایین به بسالای کوه را نیز مسدود می‌کرده است.

با ایجاد بارندگی‌ها در پشت این سیل‌بندها آب جمع می‌شد و به‌صورت استخرهای طبیعی درمی‌آمد. آب این نوع سدها مورد استفاده قلعه‌نشینان قرار می‌گرفت. حتی

یکنواختی در الگوی ساخت قلعه‌های دفاعی اصفهان در این قلعه‌ها وضعی یکنواخت و هماهنگی ویژه‌ای دیده می‌شود مثلاً شباهت کلی بین ساختمان قلعه‌بزی و شاهدز و تخت رستم واقع در شمال دستگرد که همه در حول و حوش اصفهان قرار دارند وجود دارد. همین قلعه‌های منطقه باعث دشواریهای بسیاری برای حکومت‌های وقت گردید و خونهای بسیاری در پای حصار آنها ریخته شد. در این مورد می‌توان گفت که گذشته از خود قلعه‌ها که بر فراز کوهها و در موارد استثنایی در کمر کوهها با مصالح سنگ و آجر و آهک ساخته‌اند، دره‌ها و معبرها و گذرهایی که بدان قلعه می‌رسیده همه را مسدود کرده‌اند و مقابل مسیلهای دیوار بلندی بنا نموده و همه را با هم ارتباط داده‌اند و بدین نحو گذشته از خود قلعه در سرتاسر بالای کوه با سد معابر و گذرگاهها، قلعه‌ای طویل به‌وجود آورده‌اند که به تعبیر خاص، قسمتی از آن را جدارهای غیرقابل عبور کوه و قسمتی دیگر را دیوارهای سنگی محکم تشکیل می‌داده است. البته بدین نحو تصرف آنها را به هر جهت مشکل و دشوار می‌ساخته‌اند و چون بدین صورت قلعه‌های کوچک را در فراز کوه به هم متصل ساخته بودند تصرف هیچ قلعه‌ای ممکن نبوده است و سلطان محمد سلجوقی هم برای گشودن شاهدز ناچار شده بود تا دور کوه را که این قلعه‌ها بر روی آن قرار داشته است در چهار فرسنگ به محاصره افکند ولی منابع تاریخی نشان می‌دهد که تصرف هیچ یک از آن قلعه‌ها ممکن نگردید مگر وقتی که دیگر مرد و مال و آذوقه در قلعه نایاب شد.

* - دکترای جغرافیا و استاد دانشگاه اصفهان.



شده است جهت اجساد اموات آتش پرستان قدیم ساخته شده است و بدین وسیله عمر هر یک شاید به بیش از چند هزار سال برسد.^۱ در بین ساکنان شهر اصفهان قلعه شاهدز به نام قلعه دیو معروف است. در حالی که قلعه دیگری در نزدیکی آن قرار دارد که به همین اسم معروف است. در هر حال یک قسمت مهم و بزرگ قلعه کوه صفه که سالم تر از سایر تأسیسات قلعه مانده است به نام قلعه دیو معروف است. در غرب قلعه دیو که بر بلندترین قله کوه صفه قرار داشت قلعه دیگری بنا شده که کوچکتر از آن ولی امکان ایجاد ارتباط بین آنها با علایم خاص ممکن بوده است. مکان یابی جغرافیایی قلعه ها و برجهای دیده بانی کوه صفه چنان مناسب است که می توان ارتباط بین همه آنها را به خوبی دریافت. اگر با هلیکوپتری قلیل ارتفاعات نزدیک اصفهان را مورد مطالعه خویش قرار دهیم همه جا بر فراز کوهها آثاری از قلعه و برجهای دیده بانی مشاهده می گردد. از جمله معتبرترین و صعب العبورترین آنها، آثار معروف به تخت رستم است که از لحاظ قلعه داری و دیده بانی اهمیت بسزایی داشته است. چونکه برج و آثار قلعه معروف به تخت رستم، به تعبیری در منتهی الیه

در مرتفع ترین نقاط قلعه های منطقه اصفهان به سدهای کوچک و بزرگی برای جمع آوری و انبار نمودن آب برمی خوریم که آثار آن تا به امروز باقی است. دلیل این همه توجه به نگهداری و جمع آوری آبهای کوهستانی این بوده است که برای قلعه و کوه نشینان اهمیت حیاتی داشته و گاه اتفاق می افتاد که چندین ماه ساکنان و مدافعان آن به محاصره درمی آمدند و پر واضح است که بدون آب، اندک مقاومتی برای آنها غیر ممکن بوده است. گذشته از این در کمرگاه کوهستان، آنجا که از دسترس لشکریان مهاجم، تا حدی دور بود چاهی کنده می شد که از آب آن نیز استفاده شود. نظیر این چاه را در قلعه خولنجان (قلعه بزی) و یا تپه اشرف در کنار زاینده رود و مجاور جی (پل شهرستان) می توان مشاهده کرد، اما در شاهدز آثاری از چاه آب دیده نمی شود، چه وجود یکی دو چشمه کوچک و آبگیرها، مشکل کمبود آب را حل کرده بود.

بر فراز کوه صفه نیز به ساخت یک یا دو قلعه اکتفا نکرده اند و از همه جا از پایین به بالا دو سه قلعه محکم و پناهگاه حصین ایجاد کرده اند تا با سقوط یکی، حفظ دیگری آسان باشد. میرسید علی جناب درباره قلعه کوه صفه چنین می نویسد: «... این قلعه را قلعه دیو می گویند ولی احتمال می رود که چون در دامنه و سرکوهها واقع

۱- آقا میر سید علی جناب، الاصفهان، چاپ سنگی، ص ۴۳.



قلعه مرکزی شاهدز (دید از تله کوه صفه)

مخابراتی مجهزی است جدی گرفته و مسافرتی به منطقه فارس نموده و فواصل تلهای خاک ریز را از نظر ارتفاع و فواصل دقیقاً مورد بررسی خویش قرار داده، او در خاتمه تأیید نموده است که ایرانیان، نخستین ملتی هستند که گام اول را در مخابرات دنیا برداشته‌اند.^۱

اگر مطالعات خویش را از قلعه دیو در کوه صفه بر روی شاهکوه و منتهی‌الیه آن مبذول داریم تاگردنه لاشتر باز به آثار دیگری برمی‌خوریم که ارزش دفاعی نظامی آن غیر قابل انکار است. به طوری که بر فراز شاهکوه و به‌ویژه دامنه جنوبی آن لاشتر و پس از آن تا کلاه قاضی باز آثاری از این قبیل قلعه‌ها وجود دارد. در دامنه جنوبی این کوه (کلاه قاضی)^۲ چشمه کوچک آبی جاری است که در عرف محلی تخت صنمیر نام دارد، باز آثار قلعه و یا قلعه‌هایی بر فراز قلعه کلاه قاضی به چشم می‌خورد.

در ارتفاعات جنوبی قریه گورت نیز آثاری از قلعه‌های کوچک وجود دارد که ارتباط آن با سایر قلعه‌های منطقه اصفهان کاملاً روشن است. که نمونه‌ای از آن بر فراز کوه دیوسلام در جوار مرکز انرژی اتمی اصفهان قرار دارد می‌باشد.

حد باختری کوه صفه، بر فراز کوه بنا شده است و از سوی شمال بر گردنه و زمینهای صاف زراعتی و آبادی دستگرد و از سوی جنوب باختری به دشت فاصل مابین این کوه تا گردنه آب نیل و از جانب جنوب به گردنه معروف به سنگ آسیا اشرف و تسلط داشته است.

خوب واضح است که قلعه نشینان می‌خواستند با در دست داشتن این استحکامات از شرق به غرب یعنی شاهدز و سایر قلعه‌های صفه و برجهای دیده‌بانی و تخت‌رستم و پوزه قلعه بزی در پناه روحیه جنگجویی و احساسات فداکاری خویش مدتها پایداری نمایند. این نکته را باید اضافه کنیم که از فراز بلندترین قلعه کوه قلعه‌بزی می‌توانسته‌اند با واسطه قرار دادن ایستگاهی بر فراز شاهکوه با قلعه تخت رستم و از آنجا با قلعه‌های دیگر با علایم خاص جنگی از قبیل افروختن آتش و غیره ارتباط برقرار نمایند. فواصل این قلعه‌ها چنان مناسب تعیین شده که انسان را به فکر نخستین شیوه‌های مخابراتی دنیا که ایرانیان مبتکران آن بودند می‌اندازد. چه در منطقه فارس قلل کوهها و دشتها با خاکهای دست‌ریز که به نام تل معروف است ارتباطات خویش را با سرزمینهای مهم عصر هخامنشی ایجاد می‌کردند که در این مورد آثار پرفسور آچوف (Aschof) استاد و رئیس دانشگاه آخن مطالعات ارزنده‌ای را دنبال کرده است. او نوشته یونانیها را که سرزمین ایران دارای تأسیسات

1- Prof. Aschof, Die legende von den Rufposten in persischen grossreich. S. 69.

۲- کوه کلاه قاضی به علت اینکه از دور قلعه ۲۵۳۴ متری آن شبیه به کلاه قدیمی قضا است این نام را گرفته است.



برج باروی مرکزی قلعه شاهدز



قلعه مرکزی قلعه بزی (خان لنجان)

برج و مناره

منار یا مناره به معنی جای نور و نار است و در اصل بنایی است بلند و باریک که در کنار مساجد و بقاع متبرکه جهت اذان گفتن یا به عنوان میل راهنما در کنار جاده‌ها، مساجد، کاروانسراها و مدارس احداث گردیده و با روشن نمودن چراغ یا آتش بر فراز آن جهت راهنمایی در شب، به مناره یا محل نور موسوم شده است. بنابراین پیش از آنکه مناره در کنار مساجد جهت اذان گویی ایجاد شود، برج‌های راهنمایی بوده است که مسافران را در روز و شب به مقصد هدایت می‌کرده است. باستان‌شناسان پیدایش مناره‌ها در ایران را به دوران قبل از اسلام نسبت داده‌اند لکن در باب اینکه اولین مناره در ایران در چه زمانی و در کجا احداث شده است اطلاعات دقیقی در دست نیست. مطالعات جغرافیایی تاریخی نشان می‌دهد که قدیمیترین مناره موجود در ایران، میل نورآباد ممسنی معروف به میل اژدهاست که یادگار دوران اشکانیان بوده و اسم نورآباد نیز به احتمال بسیار قوی از آن گرفته شده، چه آثاری در آن وجود دارد که آتشکده و یا آتشگاه بودن آن را تأیید می‌کند. پلکان میل اژدها در درون برج قرار دارد و بر بالای آن آتشدان سنگی جای داشته است. ارتفاع میل حدود ۷ متر بوده است. از دوره ساسانیان نیز

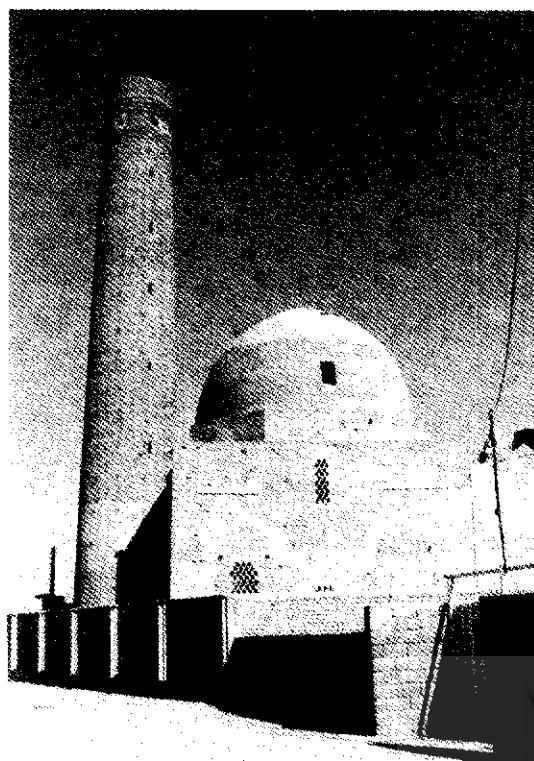
مناره بلندتری در مرکز شهر باستانی فیروزآباد با ارتفاع ۳۳ متر به یادگار مانده که در حال حاضر در نتیجه فرسایش و خرابی فقط ۲۶ متر آن بر جای مانده است. اغلب معماران و باستان‌شناسان پیدایش مناره‌ها را به صورت کنونی تقلیدی از معماری ایران قبل از اسلام دانسته که در دوران بعد از اسلام به‌ویژه عصر امویان رواج پیدا کرده است.^۱ از نظر پراکندگی جغرافیایی باید گفت که از بخارا تا باکو و از اصفهان تا افغانستان به برج و مناره‌های سالم و دست نخورده بر می‌خوریم که در این مناطق همه را منار یا مناره می‌گویند در حالی که از نظر کاربری نقش برج دفاعی را نیز داشته است.^۲

مناره‌های اصفهان و ارزشهای دیده‌بانی آنها

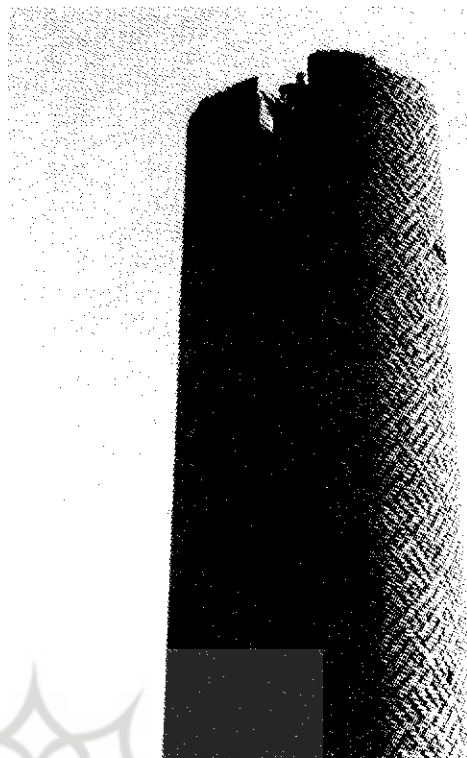
داشتن مناره‌های بسیار بلند که مورد استفاده اذان گفتن قرار نمی‌گرفته از ویژگیهای بارز مساجد دوره سلجوقی

۱- محمدیوسف کیانی، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۹، مقاله محمدعلی مخلص، صص ۳۲۲ تا ۳۴۸.

۲- ریچارد اتینگهاوزن و الک گرابر، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۸، ص ۳۸۵.



مناره مسجد جامع برسیان



مناره گار

ششم هجری نسبت داده می‌شود. ساکنان اطراف این مناره آن را به نام مناره گارلنگ هم می‌نامند.^۱ این مناره در کنار حصار قدیمی شهر بنا شده است.

مناره ساریان، در شمال محله جویباره و نزدیک مناره چهل دختران و گوشه یک میدان کوچک که احتمالاً مسجدی در آن مکان وجود داشته بنا گردیده است. ارتفاع آن ۴۸ متر و محیط قاعده آن در پایین ۱۶ متر می‌باشد. انسان می‌تواند با استفاده از ۱۶۴ پله داخل مناره به بالای آن هدایت شود. تاریخ ساختمان آن دقیقاً روشن نیست و احتمالاً بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ بنا گردیده است. از اسم مناره چنین استنباط می‌گردد که در روزگاران پیشین از آن به‌عنوان راهنما و هدایت کاروانیان بیشتر استفاده می‌شده است.

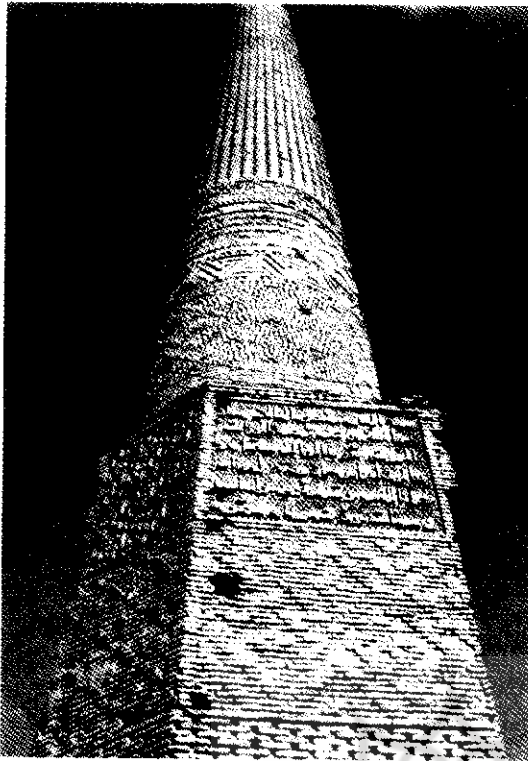
مناره مسجد علی یکی از زیباترین و مرتفع‌ترین

است. ارتفاع بعضی از آنها متجاوز از ۵۰ متر است، به‌طوری که صدای مؤذن نمی‌تواند به گوش همسایگان برسد. این مناره‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد تعدادی از آنها در کنار مساجد بنا شده و تعداد دیگری به صورت منفرد و در وسط مزارع ساخته شده است. البته احتمال داده می‌شود که مسجد این مناره‌ها به مرور زمان از بین رفته و دیگر مسجدی بر جای آنها ساخته نشده است.

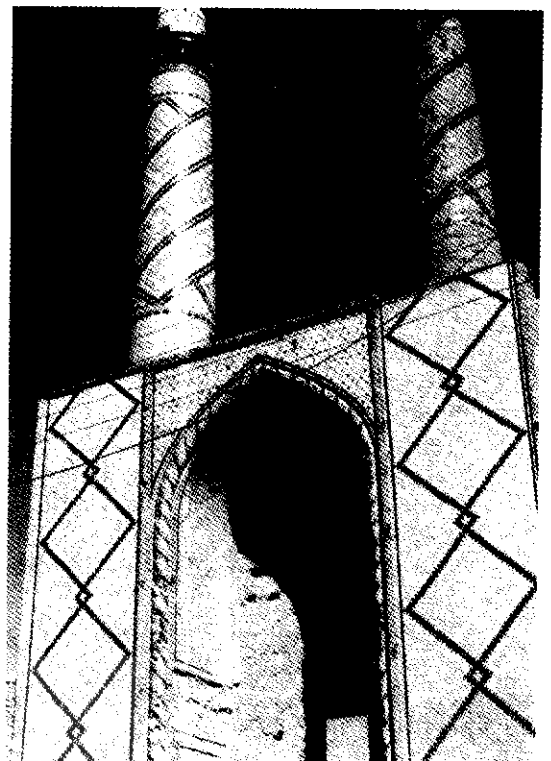
از مناره‌های عصر سلجوقیان که ارزش راهنمایی، دیده‌بانی و دفاعی داشته می‌توان در داخل شهر اصفهان از مناره چهل دختران (۵۰۱ ق)، مناره ساریان و مناره مسجد علی، مناره باغ‌قوشخانه (باباسوخته) و در بیرون از شهر اصفهان از مناره مسجدگار (۵۱۵ ق)، مناره مسجد گز (۵۲۰ تا ۵۲۵ ق)، مناره مسجد سین، مناره زیار، مناره راهروان (حدود ۵۷۵ ق)، مناره برسیان و در فواصل دورتر از شهر اصفهان مناره مسجد پامنار (زواره) و مناره مسجد جمعه کاشان نام برد.

مناره چهل دختران (۵۰۱ ق)، در منتهی‌الیه شمالی محله جویباره (قدیمیترین محله شهر اصفهان) بنا شده و در حدود ۲۱ متر ارتفاع دارد. قسمتی از نوک مناره در نتیجه خرابی از بین رفته است. بنای آن به اوایل قرن

۱- در اوایل قرن بیستم یکی از مبلغان انگلیسی پروتستان مذهب به نام «گارلند» J.L.Garland در این منطقه سکونت داشته و کار او ظاهراً تبلیغ یهودیان اصفهان به آیین مسیحیت بوده. این شخص بعد از مرگ در قبرستان ارامنه به خاک سپرده شده است. صحاری اطراف خانه این شخص به گارلنگ معروف است.



مناره چهل دختران



دو منار در دشت

مناره‌های بیرون شهر

دهکده گار که مردم محل آن را «جار» تلفظ می‌کنند در ۲۲ کیلومتری شرق اصفهان و در ساحل جنوبی زاینده‌رود واقع شده و جزو بلوک برآن است. این مناره از دوره سلجوقیان به یادگار مانده است و تاریخ بنای آن سال ۵۱۵ هجری قمری است و آثار گچبری و خطوطی در سمت محراب آن هنوز باقی است. اما کل بنا در حال خرابی است. نوک مناره به مرور زمان ریخته و از ارتفاع آن به شدت کاسته شده است.

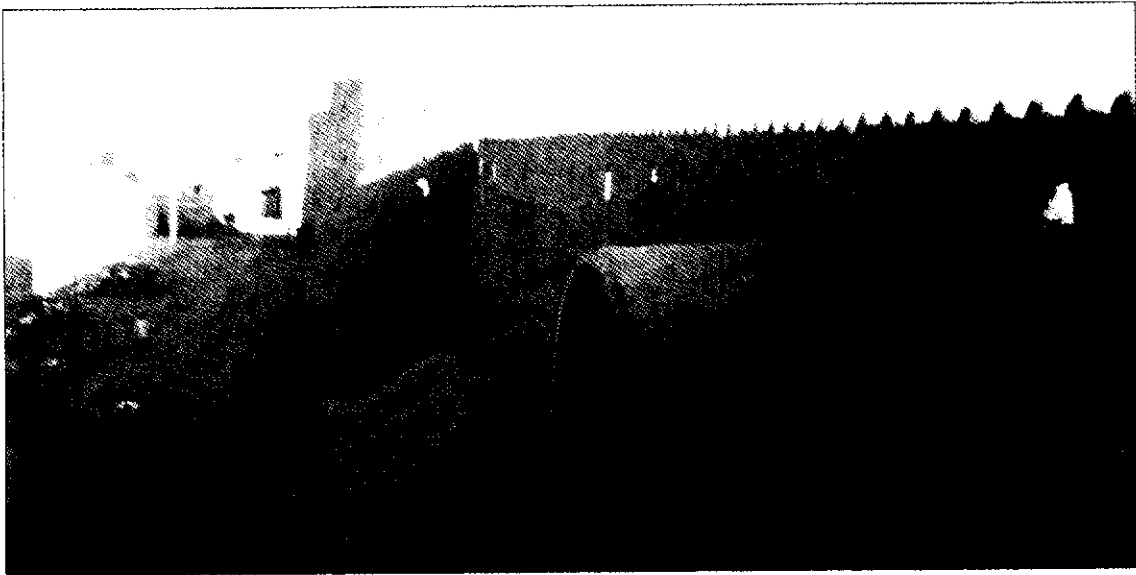
مناره راهروان، در وسط مزارع دهکده‌ای به همین نام، در شش کیلومتری شمال شرقی اصفهان واقع شده است. ارتفاع آن ۳۰ متر و تاریخ بنای آن بین سالهای ۵۷۵-۶۸۸ ه. ق تعیین شده است.

مناره زیار، در ۳۳ کیلومتری شرق اصفهان، قرار دارد. روبه‌روی آن، در شمال رودخانه، مسجد و مناره برسیان دیده می‌شود. مناره زیار کاملاً سالم و در مقام مقایسه با سایر مناره‌های منطقه، حالت قدیمی خود را حفظ کرده است. ارتفاع آن حدود ۵۰ متر و تاریخ بنای آن بین سالهای ۵۵۰ و ۶۸۸ ه. ق تخمین زده می‌شود.

مناره مسجد گز (۵۲۰ تا ۵۲۵ ق)، در ۱۸ کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده و از نواحی باستانی حومه

مناره‌های عصر سلجوقی است بنای آن در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم صورت گرفته است. ارتفاع آن ۵۲ متر و در جنوب غربی میدان کهنه و بخش بازار قرار دارد.

مناره باغ قوشخانه در شمال محله جوباره است و چون در محله طوقچی واقع شده آن را مناره طوقچی و مناره علی بن سهل به مناسبت اینکه نزدیک آرامگاه وی بوده است نیز می‌خوانند. ارتفاع آن حدود ۳۸ متر است و درحقیقت از ارتفاع متعارف مناره‌های مساجد بلندتر می‌باشد. وجه تسمیه باغ قوشخانه از آن جهت است که در دوره سلطنت شاه عباس اول در همان محل که باغی بزرگ و زیبا با بناهای مجلل بوده، بازاها و قوشهای شکاری نگاهداری می‌شد. در همین محل پرورش مرغ به منظور رفع نیاز مطبخ خانه شاهان صفوی صورت می‌گرفت و اسم محله «طوقچی» هم که در زبان آذری به معنی مرغچی می‌باشد از آن گرفته شده است. این محل در گذشته اولین منزلگاه نزدیک شهر بوده و معمولاً مراسم استقبال رسمی از مهمانان سلاطین در این محل به عمل می‌آمده است و دروازه بزرگ شمالی شهر نیز در همین محل قرار داشت. نگارنده را اعتقاد بر این است که از مناره باغ قوشخانه در دوران ناامنی استفاده دیده‌بانی و راهنمایی می‌شده است.



برج و باروی قلعه قورتان

اسلحه‌خانه. قورخانه = کارخانه اسلحه و قوریلتهای به ضم قاف و کسر را مأخوذ از ترکی مغولی و به معنی مجلس شورای نظامی است و به زبان اهالی خوارزم، قورلتان که به معنی شورا و مشاورت با هم است و چنین استنباط می‌شود که قلعه قورتان جنبه نظامی - دفاعی داشته و به احتمال قوی انبار مهمات و یا محل شورای نظامی گروهی از جنگجویان سلسله‌های دیلمی و سلجوقی بوده است. زیرا تأسیسات دیده‌بانی و دفاعی بر فراز کوهها و مناره‌ها که از آنها سخن رفت دارای پراکندگی جغرافیایی خاصی است و در حقیقت از شهر اصفهان تا این قلعه، ارتباطی وجود داشته و امکان خبر و علامت دهی از روی قلل کوهها و تپه‌ها و مناره‌ها از اصفهان تا قلعه قورتان امکانپذیر بوده است.

بنای قلعه قورتان احتمالاً در قرن ۴ (۳۶۶-۳۲۳ ه.ق) صورت گرفته و به واسطه موقع جغرافیایی ممتازی که دارد (در کنار زاینده‌رود) از تاریخ بنا تا امروز، سکونت در آن وجود داشته است. این قلعه دارای حصاری کنگره‌دار از خشت خام و بسیار محکم و دارای عظمت فوق‌العاده‌ای است. قلعه وسعتی حدود ۴۰ هزار مترمربع را در بر گرفته است. باروی شمالی ۲۵۰ متر طول و با ۵ برج دیده‌بانی و باروی جنوبی نیز تقریباً با همان ابعاد و دارای ۵ برج است و فاصله برجها از یکدیگر حدود ۵۴ متر می‌باشد، قطر دیوار در پایین متغیر به طوری که در پایین بین ۴ تا ۱۰ متر می‌باشد و راهرو باریکی بر روی حصار برای دیده‌بانها ایجاد شده

اصفهان است و در بلوک برخوردار قرار دارد. مناره و مسجد گز از دوره سلجوقیان به یادگار مانده است. آبادی گز در قدیم کنار شاهراه اصفهان- تهران واقع بوده و اهمیت خاصی داشته است. مناره مسجد گز در گوشه شمال غربی مسجد واقع شده و در کنار آن کاروانسرای عصر صفوی توجه انسان را به خود جلب می‌کند. مناره مسجد سین در شش کیلومتری شمال گز و در همان بلوک برخوردار قرار دارد. تاریخ بنای آن ۵۳۶ ه.ق است.

قلعه قورتان

قورتان اسم روستایی است در بخش بن‌رود، (بلوک رودشتین)، ارتفاع آن ۱۴۸۰ متر از سطح دریا است. جمعیت آن در سال ۱۳۷۴ حدود ۱۱۶۶ نفر و از ۲۲۸ خانوار تشکیل گردیده است، فاصله آن تا ورزنه (آخرین آبادی در کنار زاینده‌رود) ۱۲ کیلومتر و دارای جاده آسفالته، حمام، مدرسه ابتدایی، راهنمایی پسرانه و دخترانه، دفتر مخابرات، آب، برق، تلفن و درمانگاه است. این روستا به صورت یک قلعه بسیار محکم و با عظمت در کنار زاینده‌رود قرار دارد.

واژه قورتان از دو جزء «قور = گور» و «تان = دان» که از نظر دستور زبان فارسی پسوند ظرفیت است، تشکیل شده است. قورتان = گوردان، یعنی محلی که گور فراوان دارد. موقعیت قلعه نشان می‌دهد که این واژه شبیه واژه‌های ترکی قور = سلاح یا قورچی = رئیس



است. حصار شرقی و غربی قلعه ۱۶۰ متر طول دارد و هر طرف دارای ۲ برج دیده‌بانی و بدین وسیله ۱۴ برج دورادور قلعه را احاطه کرده است. علت وجود ۱۴ برج، یا به افتخار نام ۱۴ معصوم ساخته شده و یا جنبه معماری داشته است. ارتفاع حصار جنوبی از بستر رودخانه تا کنگره برج، ۱۳ متر و تا کنگره دیوار ۹ متر اندازه‌گیری شده ولی متأسفانه قسمتی از باروی جنوبی به علت طغیان رودخانه فرو ریخته است. قلعه دارای ۲ دروازه شمالی و جنوبی است و هر دروازه دارای هشتی بزرگی به قطر ۶ متر است. داخل قلعه در مواقع ناامنی، زندگی ۵۰ خانوار را به خوبی تأمین می‌کرده است. بعد از اجرای قوانین اصلاحات ارضی، مردم زندگی در بیرون قلعه را به داخل آن ترجیح داده‌اند. در گذشته قلعه، دارای آسیابی بوده که آب آن از زاینده‌رود تأمین می‌شده است. قلعه قورتان می‌تواند یکی از مراکز بازدید گردشگران باشد. این قلعه دارای سه مسجد است که یکی از آنها دارای غریبخانه است و برای افراد غریب ساخته شده که می‌توانستند در آن بیتوته کنند ولی اکنون کاملاً متروک است.

قلعه قورتان جنبه دفاعی - نظامی اندیشیده‌ای دارد، به طوری که دارای سلسله مراتب ارتباطی درونی بوده و نیز میان این منظومه با محیط بیرون، بنا بر نیازهای دفاعی گونه‌ای ارتباط (یک طرفه) وجود داشته است و پیوند از بیرون به درون نیز به گونه‌ای مرتبه‌ای کنترل می‌شده است. همچنین وجود امکانات حیاتی مانند چاه‌آب، انبار ذخیره آذوقه، آبرو پنهانی از بیرون به درون و نیز با آگاهی از وجود عناصر فرهنگی در درون قلعه درمی‌یابیم که قلعه دارای یک نظام خودکفا بوده و می‌توانسته در ابعاد مادی و فرهنگی اقلاً برای مدتی، مستقل از دنیای بیرون به حیات خود ادامه دهد. حتی در زمینهای پیرامونی قلعه نیز کشاورزی می‌کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

- ۱- نام شهر اصفهان با سپاه و سپاهیگری در ارتباط بوده، چون مرکز تجمع و تربیت قشون ایران جنوبی در دوره ساسانی بوده است.
- ۲- اصفهان قبل از اسلام (جی) و اصفهان بعد از اسلام پیوسته دارای حصار و برج و بارو و قلعه بوده است.
- ۳- اصفهان به واسطه موقع جغرافیایی که در قلب و مرکز ایران قرار داشته، از نظر دفاعی - نظامی مورد توجه مدیران مملکتی بوده و آن را به عنوان مقر اصلی حکومت خویش انتخاب کرده‌اند.

۴- به منظور دفاع از اصفهان علاوه بر حصار شهری قلل کوهها نیز به قلعه‌های غیر قابل گشودنی مجهز بوده است و پراکندگی جغرافیایی آنها گویای این نکته است که فواصل آنها چنان در نظر گرفته شده که ارتباط آنها را به همدیگر برقرار می‌کرده است.

۵- تعداد قلعه‌ها بر فراز کوههای مناطق نزدیک شهر به ۲۰ باب می‌رسد که سه قلعه یعنی شاهدز، قلعه بزی (قلعه خولنجان) و آتشگاه به عنوان قلعه‌ها اصلی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

۶- قلعه‌ها بر فراز کوههای نزدیک شهر اصفهان از سالهای قبل از اسلام نیز مورد توجه ایرانیان بوده گاهی از قلل آنها به عنوان آتشکده و زمانی به عنوان مرکز مخابراتی و علامت‌دهی و بعضی از قلل کوهها به عنوان دخمه جهت اموات زرتشتیان مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۷- از قلل کوهها که دارای قلعه‌ها است به عنوان مراکز مخابراتی و علامت‌دهی استفاده می‌شد، زیرا ایرانی‌ها نخستین ملتی هستند که به اخبار از قلل کوهها و در صورت نبودن ارتفاعات مناسب با ایجاد تپه‌های مصنوعی در مناطق صاف و جلگه‌ای مبادرت می‌کردند که در استان فارس به نام تل معروف است.

۸- از ادوار مهم تاریخ که به ساختن دژ بر فراز کوهها مبادرت شده است عصر سلجوقیان است، سلسله سلجوقی به عنوان یک سلسله سپاهی - نظامی به ایجاد تأسیسات نظامی بر قلل کوهها توجه خاصی مبذول داشته است.

۹- طرفداران مذهب اسماعیلیه که در قرن پنجم و ششم قدرتی به هم زدند در عصر سلجوقیان مراکز دفاعی - نظامی قلل کوهها را در کشور به اشغال خود درآوردند و بر حصار، عمارات و برجهای دیده‌بانی آن افزودند و آنها را مراکز تجمع نیروی خود و فرماندهی خویش درآوردند ولی بعد از پایان فتنه اسماعیلیه قلعه‌های مزبور از رونق افتاد و به خرابی کشیده شد.

۱۰- قلعه‌های بعضی از قلل کوهها در ایران به عنوان مراکز راهداری استفاده می‌شد.

۱۱- مکان قلعه‌ها، چنان انتخاب می‌شد که قلعه‌نشینان به چشمه‌های آب دسترسی داشته باشند.

۱۲- روستاهای قلعه‌ای منطقه عشایر نشین اصفهان را نباید با قلعه‌هایی که بر فراز کوهها و به منظور دفاع از شهر ایجاد شده اشتباه کرد.

۱۳- در مناطقی که ارتفاعات کمتری داشته و امکان ساختن قلعه برای دفاع وجود نداشت به ایجاد و بنای مناره مبادرت می‌شده است.